



گفت‌وگوی شهرآرا با پدر و نامادری پسر بچه‌ای که با آثار جراحات زیاد جانش را از دست داده است

کتکش می‌زدیم برای تربیتش!

مهدی قرآنی



خورشید سومین روز شهریور هم‌زمان با زندگی کودکی معصوم در مشهد غروب کرد؛ غروبی که امید به روشنایی خورشیدش در روز بعد وجود داشت، اما طلوع زندگی ویهان هفت‌ساله هرگز. عوامل اورژانس در حالی بدن بی‌جان کودک معصوم را به بیمارستان طالقانی انتقال می‌دهند که طبق معاینات اولیه تکنیسین‌های امدادی حدود پنج ساعت از فوت او می‌گذرد. به هر حال بدن بی‌جان این کودک به بیمارستان منتقل و گواهی اولیه فوت صادر و جسد به پزشکی قانونی برده می‌شود.

زن جوان که نامادری ویهان است، به هر دری می‌زند که جسد را برای مراسم خاک‌سپاری تحویل بگیرد، اما آثاری مشکوک بر بدن تحیف طفل معصوم مانع از این موضوع می‌شود. زن جوان برای تعیین تکلیف قانونی راه محکمه قضایی را پیش می‌گیرد. دستور قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل عمد

دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، برای تحویل جسد به بررسی کارشناسان اتاق تشریح منوط می‌شود و همین موضوع واقعیتی هولناک را از دل پرونده‌ای به ظاهر عادی بیرون می‌کشد. معاینه جسد این پسر بچه نشان از آثار و جراحات های هولناک دارد که کودک آزاری، اولین فرضیه را در ذهن کارشناسان پزشکی قانونی قوت می‌بخشد، موضوعی که خیلی زود پای قاضی صفری را به پزشکی قانونی می‌کشاند و او نیز به عمق فاجعه پی می‌برد. کودکی‌های متعدد، آثار سوختگی با شیء داغ، بریدگی، زخم‌های عمیق و شکستگی‌های سطحی از دسته آثار جراحی بود که می‌شد به راحتی در بدن بی‌جان این کودک مشاهده کرد.

آزمایش سم‌شناسایی و علت فوت در روند رسیدگی پزشکی قرار می‌گیرد، اما در همان ابتدای امر دستور بازداشت موقت زن جوان، یعنی نامادری کودک هفت‌ساله صادر و این شخص دستگیر می‌شود.

زن برای ویهان مادری کرده است



م.م، متولد ۱۳۶۶ است و به گفته خودش چند سابقه کفیری دارد. ویهان فرزند همسر موقت دومش است. طبق ادعای او مادر ویهان نیز رفیق مصرف مواد مخدرش بوده است. او یک سال با مادر فرزند مرحومش ارتباط داشته و بعد هم این زن را به عقد موقت خود درآورده است. طولی نکشیده که ویهان به دنیا آمده است. با تولد بچه، زن پس از مدتی آن‌ها را رها کرده و غیبش زده است.

● به چه جرمی دستگیر و محاکمه شدی؟
کلاهبرداری، فروش مال غیر.
● چند وقت می‌شود که در زندان هستی و محکومیت چقدر است؟
هشت ماه است که در زندان هستم و دادگاه هشت سال حبس و ۵۰۰ میلیون تومان رد مال برایم بریده است.
● از همسر اولت فرزند هم داری؟
خیر.

● چرا از همسر اولت جدا شدی؟
به دلیل اینکه مواد مخدر هم را هم داشتیم. دستگیر شدم و به زندان افتادم. او هم کلاه را برداشت و رفت و طلاق گرفت.
● از همسر دومت اطلاع داری؟
خیر، اطلاعی ندارم.

● همسر کنونی‌ات در جریان ازدواج با دو همسر دیگر بوده است؟
بله، همه را به او گفته‌ام.
● در جایی از اظهارات گفتی که ویهان شناسنامه نداشته است. چرا؟
مادرش نبود. برای همین شناسنامه‌اش را به من ندادند. گفتند که مادرش هم باید باشد. البته آن زمان باید راه دادگاه راپیش می‌گرفتم، اما چون خودم درگیر اعتیاد بودم، دنبال‌اش نرفتم.

● در اظهارات گفتی که از فوت ویهان اطلاع داشتی. چطور و از کجا؟
خودش (نامادری ویهان) با من تماس گرفت و همه چیز را گفت.
● دقیقاً چه چیزهایی گفته است؟
گویا ویهان مریض بوده و داخل شلوارش خرابکاری کرده است. او هم صعبانی شده و با چوب تنبیهش کرده است.

● با چوب؟
بله، یک ضرب به پشتش زده است. پس از تمیز کردن ویهان، او را پوشک کرده و غذایش را داده و پسرم خوابیده است. عصر بوده که ظاهراً پلو استانبولی ناهارش را بالا آورده است و تا او را به بیمارستان رسانده، تمام کرده است.

ویهان بیماری زمینه‌ای داشت؟

خیر. فقط اخیراً ادرارش خونی بود و همسرم او را دکتر برد و آزمایش‌هایش را انجام داد.
● مشکوک نشدی؟
به چه چیز؟ به همسرم که بچه من را از دوسالگی بزرگ کرده و به دندان گرفته است؟ خیر.
● از همسرت شکایت نداری؟
خیر. او در حق فرزندم مادری کرده است. این بچه را بزرگ کرده است، چرا باید شکایت داشته باشم؟
● حتی اگر بفهمی که او پسر ترا کشته است؟
دنبال چه چیز هستی؟ مادر است دیگر. تصمیم داشته است فرزندش را ادب کند. مگر زمانی که من بچه بودم، پدر و مادرم ادبم نمی‌کردند؟ این چه حرفی است؟! من به او اعتماد دارم، او فرزندم را نکشته است.

● در اظهارات گفتی که روز حادثه ویهان تشنج کرده است. این درست است؟
نمی‌دانم. همسرم گفت ادا درآورده است. آخر ویهان از این اداها زیاد درمی‌آورد. برای همین اونوجه نکرده است.

● درباره بدرقته‌ای‌هایش توضیح داده است؟
اگر منظورتان زخم روی پاهای ویهان است که به‌له. یا اینکه پشت دستش را سوزانده است، آن را هم به من گفته است.

● دلیل زخم روی پاهایش چیست؟
همسرم را ادبیت کرده بود. او هم برای اینکه ادبش کند، پاهایش را با طناب بسته بوده است. بچه تقلا کرده و طناب موجب زخم پاهایش شده است. البته همسرم زخم پاهای او را مدام پانسمان می‌کرد تا خوب شد.

● به نظرت کار درستی است که برای تربیت بچه پایش را با طناب ببندی، به طوری که زخم عمیقی روی مع پاهایش ایجاد شود؟
خیر، درست نیست. اما تنبیه است دیگر. دلیل نمی‌شود که بگویم چون فوت کرده، پس اوقاتش است. ۱۰ روز می‌شود که همسرم دنبال کارهای فرزند مرحوم است. الان هم گرفتار شده است و او را دستگیر کرده‌اند. اگر رنگی به کفشش بود که نمی‌آمد بچه را به پزشکی قانونی ببرد.

● روی اندام‌های ویهان علاوه بر جراحات و کبودی و شکستگی، آثار سوختگی زیادی وجود دارد. در جریان آن‌ها هم هستی؟
سوختگی عامل فوت بوده است؟

● نمی‌دانم، اما طبق نظر پزشکی قانونی بی‌علت هم نبوده است؟
من بی‌اطلاعم.

● در صحبت‌های قبلی‌ات گفتی که همسرت دست ویهان را سوزانده است.
این موضوع خیلی وقت پیش بوده است. نمی‌دانم.

● به چه دلیل، اما همسرم باسیگار پانمی‌دانه فندک دست ویهان را سوزانده است.
● با همه این مسائل باز هم مشکوک نیستی

● واز همسرت شکایت نداری؟
خیر، مشکوک نیستم و رضایت می‌دهم. لطفاً دیگر سؤال نپرسید و تمام.



با وجود گذشت ۹ روز از فوت مشکوک ویهان، زن جوان به جز تعریف یک ماجرای تکراری هیچ حرف دیگری برای مقام قضایی ندارد. تحقیقات این پرونده ادامه می‌یابد تا اینکه مشخص می‌شود ویهان چند ساعت پیش از فوت از سوی نامادری‌اش تنبیه بدنی شده است، تنبیهی که به گفته زن جوان با هدف تربیتی بوده است، نه برای قتل. در روند تحقیقات این پرونده نیز مشخص می‌شود پدر ویهان هفت ماه در زندان به سر می‌برده و او نیز در جریان همه کارها قرار گرفته است.

این پرونده روز چهاردهم شهریور برای رمزگشایی از علت فوت ویهان هفت‌ساله به دادسرا کشیده می‌شود تا اولین جلسه بازپرسی از پدر و نامادری ویهان برای کشف حقیقت انجام شود. با پایان جلسه بازپرسی درحالی‌که متهمان قرار بود راهی زندان شوند، به سراغشان می‌روم و به صورت جداگانه درباره ماجرای رخ داده با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنم. شرح گفت‌وگوی ۱۲۰ دقیقه‌ای با مظنون اصلی این پرونده در ادامه آمده است.

با چوب او را زدیم



متولد ۱۳۵۸ است و خودش می‌گوید که بیماری افسردگی دارد. قبلاً در یک شرکت حمل‌ونقل کار می‌کرده و اخراج شده است. اواز همسر اولش یک پسر بیست‌ساله دارد که طبق ادعایش تا پنج‌سالگی با وی زندگی می‌کرده است. به گفته او، همسرش برای اینکه او را به خانه بازگرداند، حضانت پسرش را گرفته است، موضوعی که موجب بیماری روحی و روانی او شده است. حالا اما از زندگی مشترک با همسر دومش می‌گوید.

● می‌دانستی شوهرت دوبار ازدواج کرده است؟
بله، به من گفته بود.

● از همان ابتدای زندگی ویهان را به خانه مشترکتان آوردی؟
خیر، چند سالی این بچه پیش خانواده همسرم زندگی می‌کرد و از من دور بود. به قدری دور بود که به پدرش می‌گفت دایی. همسر سال ۱۳۹۹ ویهان را به خانه آورد. چون بدرقته‌ای زیادی باین بچه می‌شد، خودم از او خواستم بچه را بیاورد.

● در جایی از اظهارات گفتی‌ای بچه اعتیاد داشته است.
مادر ویهان رفیق مصرف شوهرم بوده است. در زمان بارداری او مصرف‌کننده مواد مخدر بوده و همین مواد روی جنین هم اثر گذاشته است.

● او را پیش دکتر هم برده بودیدی؟
خیر.

● پس از کجا می‌دانستی اعتیاد دارد؟
برخی آثار داشت. آثاری که مصرف‌کنندگان اغلب به آن دچار هستند.

● در جلسه بازپرسی مدعی شدی که خودت ویهان را تربیت کرده‌ای، چه شد با این طفل معصوم مشکل پیدا کردی، تا جایی که او را با چوب بزنی یا بدنش را بسوزانی؟

● زمانی که همسرم این‌بچه را پیش من آورد، حتی اسمش را نمی‌دانست. دست چپ و راستش را بلد

● نه، من نمی‌دانم. من فقط می‌دانم که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

● پس این همه آثار جراحات از کجا آمده است؟
به خدا نمی‌دانم... به قرآن نمی‌دانم...

● اعتیاد داری؟
خیر. من بیماری افسردگی دارم و دارو مصرف می‌کنم.

● پس پوکه‌های مصرف مواد مخدر صنعتی با فندک‌های خاص که برای مواد افیونی استفاده می‌شود، چطور سر از خانه‌ات درآورده‌اند؟
من مواد مخدر مصرف نمی‌کنم. مواد مخدر برای همسرم است. هر چیزی بوده، مال اوست. من خودم با مواد مخالف هستم.

● باورم می‌آید که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

● پس این همه آثار جراحات از کجا آمده است؟
به خدا نمی‌دانم... به قرآن نمی‌دانم...

● اعتیاد داری؟
خیر. من بیماری افسردگی دارم و دارو مصرف می‌کنم.

● پس پوکه‌های مصرف مواد مخدر صنعتی با فندک‌های خاص که برای مواد افیونی استفاده می‌شود، چطور سر از خانه‌ات درآورده‌اند؟
من مواد مخدر مصرف نمی‌کنم. مواد مخدر برای همسرم است. هر چیزی بوده، مال اوست. من خودم با مواد مخالف هستم.

● باورم می‌آید که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش



می‌گذرد. باورم نمی‌شد و می‌گفتم بچه زنده است. بدنش را به بیمارستان طالقانی انتقال دادیم و آنجا فهمیدم واقعا تمام کرده است.

● آثار سوختگی، کبودی و زخم روی بدن ویهان وجود دارد. درباره آن‌ها چه می‌دانی؟
روزی که ویهان را به بیمارستان تحویل دادم، علام روی بدن بچه نبود.

● یعنی ممکن است بیمارستان این بلا را سر بچه آورده باشد؟ منظور تو همین است؟
من نمی‌گویم بیمارستان کاری کرده است. شاید عفونت داخل بدنش بوده که این اتفاق برایش افتاده است.

● کارشناسان پزشکی قانونی معتقدند این کودک با شیء داغ یا نوک تیز هدف آزار قرار گرفته است. یعنی بیشتر از کارشناسان پزشکی قانونی می‌دانی؟
من اطلاعی ندارم.

● درباره زخم عمیق روی مع پای کودک یا زخم روی باسنش هم بی‌اطلاعی؟
آن‌ها را که خودم در پرونده نوشته‌ام. زخم دور پاهایش به دلیل این بود که او را با طناب بسته بودم تا در خانه بماند. تقلا کرده بود و طناب دور پاهایش سفت شده و پوست را بریده بود. ضمن اینکه خودم زخم‌هایش را مداوا کردم. زخم روی باسنش هم مربوط می‌شود به شب حادثه که خودش را خراب کرده بود. البته بیان ترکه‌ای که من او را زدیم، چنین جراحی‌ای ایجاد نمی‌شود.

● مأموران از داخل خانه‌تان چوب و چماق پیدا کرده‌اند.
چون شوهرم زندان است و خانه‌ام در حاشیه مشهد قرار دارد. آن‌ها را برای حفاظت از خودم نگه می‌دارم.

● یعنی ویهان را با آن چوب‌ها زنده‌ای؟
این چه حرفی است؟! چرا باید بچه‌ام را با آن چوب‌ها بزنم؟

● چرا به قول خودت او را با ترکه زدی؟ چرا مثلاً گوشش را نکشیدی؟
ویهان کتک برایش چیزی نبود. این‌ها (پدر ویهان) ژنتیکی همین طورند. انگار کتک برایش مثل تنبیه‌ها کردن باشد. همان‌طور بود. او را که می‌زدیم، حتی گریه نمی‌کرد.

● چرا دستش را سوزاندی؟
پاکت سیگار را برداشته بود. برای همین دستش را سوزاندم که دیگر طرف سیگار نزود. هدفم از این تنبیه‌ها کردن باشد. نه اینکه بخوام او را به قتل برسانم.

● با چه چیز دست ویهان را سوزاندی؟
فندک.

● آثار شکستگی در ناحیه سر بچه هم وجود دارد. آیا با چوب به سرش هم ضربه وارد کرده‌ای؟
خیر، من فقط به باسنش ضربه زدم.

● ممکن است به سرش هم ضربه زده باشی؟
یادم نیست.

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

● پس این همه آثار جراحات از کجا آمده است؟
به خدا نمی‌دانم... به قرآن نمی‌دانم...

● اعتیاد داری؟
خیر. من بیماری افسردگی دارم و دارو مصرف می‌کنم.

● پس پوکه‌های مصرف مواد مخدر صنعتی با فندک‌های خاص که برای مواد افیونی استفاده می‌شود، چطور سر از خانه‌ات درآورده‌اند؟
من مواد مخدر مصرف نمی‌کنم. مواد مخدر برای همسرم است. هر چیزی بوده، مال اوست. من خودم با مواد مخالف هستم.

● باورم می‌آید که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

● پس این همه آثار جراحات از کجا آمده است؟
به خدا نمی‌دانم... به قرآن نمی‌دانم...

● اعتیاد داری؟
خیر. من بیماری افسردگی دارم و دارو مصرف می‌کنم.

● پس پوکه‌های مصرف مواد مخدر صنعتی با فندک‌های خاص که برای مواد افیونی استفاده می‌شود، چطور سر از خانه‌ات درآورده‌اند؟
من مواد مخدر مصرف نمی‌کنم. مواد مخدر برای همسرم است. هر چیزی بوده، مال اوست. من خودم با مواد مخالف هستم.

● باورم می‌آید که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

● پس این همه آثار جراحات از کجا آمده است؟
به خدا نمی‌دانم... به قرآن نمی‌دانم...

● اعتیاد داری؟
خیر. من بیماری افسردگی دارم و دارو مصرف می‌کنم.

● پس پوکه‌های مصرف مواد مخدر صنعتی با فندک‌های خاص که برای مواد افیونی استفاده می‌شود، چطور سر از خانه‌ات درآورده‌اند؟
من مواد مخدر مصرف نمی‌کنم. مواد مخدر برای همسرم است. هر چیزی بوده، مال اوست. من خودم با مواد مخالف هستم.

● باورم می‌آید که این بچه را از کجا آورده بودی؟
از زمان مادرشوهرم داخل خانه داشتم. مادرشوهرم بیمار بود و من از او نگهداری می‌کردم.

● ای‌وی لایف را زمانی استفاده می‌کنند که بدانند قرار است بچه این کار را تکرار کند. آیا قبلاً هم تکرار شده بود؟
خیر. چون آب نداشتم و او هم مریض بود، ترسیدم نتواند خودش را نگه دارد و باز هم کثیف کاری کند.

● بعد چه شد؟
ساعت ۱۰ صبح سوم شهریور بود که مشغول پیگیری برای خرید آب بودم تا تانکر را بر کنم. همان موقع همسرم از زندان تماس گرفت. من هم موضوع را به او گفتم. ساعت ۱۱ بود که ویهان داخل اتاق روی تختش خوابید و من هم داخل اتاق خودم. ساعت ۱۸ از خواب بیدار شدم و دیدم صدایش نمی‌آید. وارد اتاقش که شدم، دیدم بالا آورده است و هیچ حرکتی ندارد. به سراغ همسایه‌مان رفتم و او بچه را بغل گرفت و جلو در ورودی آورد. مأمور اورژانس که ویهان را معاینه کرد، گفت تمام کرده است و پنج ساعت از فوتش

● افسر تحقیق پرونده صورت جلسه کرده است ترکه‌ای را که در صحنه جرم نشان دادی، نمی‌تواند آسبیده به بچه وارد کند. زیرا با اولین ضربه خود ترکه می‌شکند. چه توضیحی برای این موضوع داری؟
باور کننید با همان ترکه که زیر درخت افتاده بود، او را زدیم. با سرشاخه درخت که افتاده بود زدمش.

پرونده کودک هفت ساله که هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، نزد شعبه ۲۸ بازپرسی ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد باز است و تحقیقات تا روشن شدن زوایای پنهان ادامه دارد.

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۱

شهریار

پیش‌بینی ۳۸۲۲

پیش‌بینی ۳۸۲۲